


A Comparative Study of the Conceptual Implications of the Verse of Esra in the Interpretations of Fariqain (Focusing on the Interpretation of Majma al-Bayan and Sheikh Younini's Manuscript)

Fatemeh Dastranj  * Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Arak University, Arak, Iran

Abstract


Considering the position and importance of ascension in the center of Islamic thought, various readings have been made of the verses related to this issue. The skepticism of the ascension by the Orientalists and also considering it as a dream by some Muslim scholars, doubles the necessity of analyzing the interpretive opinions of foreign scholars on this issue. In this research, with a descriptive-analytical method, the interpretation opinions of the late Tabarsi, a Shia scholar, and Sheikh Younini, a Sunni scholar, were analyzed regarding the origin of the Ascension and Asra'a, the time, place and quality of the occurrence, the purpose and the miracle of the Ascension, and the issue of divine vision. The results of the research indicate that despite the differences between the Hanbali sect and the Shi'a religion, there is a lot of convergence between the views of Younini and Tabarsi regarding the Ascension and Esra. The most important thing they have in common is the belief in the occurrence of ascension in the waking state and its occurrence in a physical and spiritual form, which is compatible with the miracle of ascension. Although both of them have used rational and narrative reasons in presenting their opinions, they have differences in the type of sources used, how to deal with the issues and also the establishment of the reason. Sheikh Yunini emphasizes more on the quality of ascension, while the late Tabarsi, in addition to explaining the quality of ascension, also points to the purpose of ascension, which is seeing God's amazing proofs from the Prophet (PBUH).

Keywords: Esra, M'eraaj, Prophet (PBUH), Tabresi, Younini.

* Corresponding Author: F-dastranj@araku.ac.ir

How to Cite: Dastranj, F. (2021). A Comparative Study of the Conceptual Implications of the Verse of Esra in the Interpretations of Fariqain (Focusing on the Interpretation of Majm ul-Bayan and Sheikh Younini's Manuscript), *Journal of Seraje Monir*, 13(44), 249-276.

بررسی تطبیقی دلالت‌های مفهومی آیه اسراء در تفاسیر فریقین (با محوریت تفسیر مجمع‌البیان و مخطوطه شیخ یونینی)

فاطمه دسترنج*  | دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران

چکیده

با توجه به جایگاه و اهمیت معراج در کانون اندیشه اسلامی، خوانش‌های گوناگونی از آیات مرتبط با این موضوع صورت پذیرفته است. تشکیک در وقوع معراج از سوی مستشرقان و نیز رؤیایانگاری آن از سوی برخی عالمان مسلمان، ضرورت واکاوی آرای تفسیری عالمان فریقین پیرامون این موضوع را دوچندان می‌کند. در این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی، آرای تفسیری مرحوم طبرسی از علمای شیعه و شیخ یونینی از علمای اهل سنت، پیرامون اصل وقوع معراج و اسراء، زمان، مکان و کیفیت وقوع، هدف و نیز معجزه بودن معراج و مسأله رؤیت الهی واکاوی گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که به‌رغم اختلافات فرقه حنبلی با مذهب تشیع، همگرایی بسیاری بین آرای یونینی و طبرسی پیرامون معراج و اسراء وجود دارد. مهم‌ترین وجه اشتراک آنان اعتقاد به وقوع معراج در حالت بیداری و رخداد آن به صورت جسمانی و روحانی توأمان است که با معجزه بودن معراج سازگار است. با وجود اینکه هر دو در ارائه نظرشان از دلایل عقلی و نقلی بهره برده‌اند، در نوع منابع مورد استفاده، کمیّت پرداختن به موضوعات و نیز اقامه دلیل با هم اختلافاتی دارند. تأکید شیخ یونینی بیشتر بر کیفیت وقوع معراج است، در حالی که مرحوم طبرسی، علاوه بر تبیین کیفیت وقوع معراج به هدف معراج که همان رؤیت حجت‌های شگفت خداوند از سوی پیامبر^(ص) است نیز اشاره می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اسراء، معراج، پیامبر^(ص)، طبرسی، یونینی.

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم اسلامی که توجه قرآن‌پژوهان مسلمان و غیرمسلمان را به خود معطوف داشته‌است و دیدگاه‌های مختلفی پیرامون آن وجود دارد، مسأله معراج پیامبر اکرم (ص) است. تشکیک در وقوع معراج از سوی مستشرقان و نیز رؤیاینگاری آن، ضرورت خوانش دوباره آیات مرتبط با این موضوع را می‌طلبد؛ به عنوان نمونه، «مایکل سلز» در مقاله‌ای با عنوان «Ascension» که در جلد نخست *دایرةالمعارف قرآن* لیدن به چاپ رسیده، به موضوع معراج پرداخته‌است. ایشان سه موضوع را در مقاله خود مطرح می‌کند. نخست آنکه موضوع معراج به روشنی در قرآن بیان نشده‌است و اصولاً واژه معراج در قرآن نیامده‌است. دوم آنکه قرآن تصریح دارد که حضرت محمد (ص) به جز قرآن، معجزه متفاوت دیگری ندارد و موضوع سوم هم این است که در صورت پذیرش معراج، این واقعه در خواب و رؤیا رخ داده‌است (*دایرةالمعارف قرآن*، ۱۳۹۲: ۱۷۶-۱۷۷). تلقی رؤیاینگارانه از معراج، مستمسکی برای برخی نواندیشان دینی در راستای رؤیاینگاری وحی و نزول قرآن است. تبیین مقوله معراج با عنایت به آرای فریقین با تأکید بر اشتراک‌های مذهبی، علاوه بر تقریب مذاهب اسلامی می‌تواند گامی ارزشمند در راستای نقد دیدگاه‌های تشکیک‌گرایانه و رؤیاینگارانه به وحی باشد.

اگرچه واژه «معراج» در قرآن کریم استعمال نشده‌است، اما آنچه باعث شده معراج به عنوان یکی از مباحث مهم قرآنی مطرح گردد، آیاتی از سوره اسراء و نجم و نیز روایاتی است که به این موضوع اشاره دارند. با توجه به آیات و اخباری که پیرامون معراج وجود دارد، برخی اندیشمندان اسلامی قبول معراج را از ضروریات دین دانسته‌اند و منکر آن را کافر می‌دانند (ر.ک؛ شعرانی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۳۲). برخی نیز اعتقاد به معراج را از ویژگی‌های امامیه می‌دانند (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۵۱۰). اما کیفیت و نحوه وقوع معراج و اسراء، محل تضارب آرا است. از آنجا که این مسئله یکی از نقاط مهم در زندگی پیامبر (ص) است، یکی از زوایای بررسی این موضوع، مطالعه تطبیقی میان دو گروه فکری و یا مذهبی مختلف است؛ برای مثال، بررسی تطبیقی این موضوع میان نظرات علمای شیعه و علمای

اهل سنت می‌تواند از اختلاف‌ها و اشتراک‌های موجود پرده برداشته، فهم این مسئله را هموارتر نماید. این پژوهش بررسی تطبیقی میان آرای تفسیری شیخ محمد یونینی (م. ۶۵۸ ق.)، یکی از عالمان فرقه حنبلی که بیشترین تقابل را با شیعه دارد، با آرای عالم شیعی طبرسی در زمینه اسراء و معراج است که در آن تلاش شده‌است تا به این پرسش پاسخ داده شود که اشتراک و افتراق آرای تفسیری طبرسی و یونینی در مقوله معراج چیست و دیدگاه‌های آنان تا چه میزان همگرایی دارد؟

از آنجا که پرداختن به مسئله معراج و اسراء همیشه مدنظر قرآن پژوهانی با نگاه درون‌دینی و یا برون‌دینی بوده‌است. بنابراین، رد پای این موضوع را می‌توان در پژوهش‌هایی جست که به صورت مقاله و یا کتاب نگاشته شده‌اند و واضح است که توجه به این پژوهش‌ها مسیر پژوهش‌های بعدی را هموار می‌نماید. اما از میان پژوهش‌های موجود، پژوهشی که به صورت تطبیقی به بیان نظرات طبرسی و شیخ یونینی پردازد، مشاهده نشده‌است. تطبیق آرای طبرسی به عنوان عالم شیعی با آرای شیخ یونینی به عنوان عالمی از فرقه حنبلی، این امکان را به وجود می‌آورد که بتوان یک موضوع مشترک را در پرتو دو نگاه متفاوت با باورهای کلامی مختص به خود بررسی نمود. منظور از باورهای کلامی آن دسته از باورهای یقینی است که تعیین‌کننده روش مواجهه و مواجهه با مسائل حوزه تفکر و اندیشه است. این باورها می‌تواند از خاستگاه عقلی، نقلی و یا هر دو نشأت گیرد؛ برای مثال، باورهایی چون عدالت صحابه، علم امام، تحریف‌ناپذیری قرآن و غیره می‌تواند از جمله باورهای کلامی به شمار آید.

از این رو، در پژوهش حاضر با تحلیل و بازخوانی نظرات این دو عالم، در پی بیان وجوه اشتراک و افتراق ایشان در رابطه با اصل وقوع معراج، زمان و مکان معراج و اسراء، کیفیت وقوع معراج، هدف معراج، روایات و اخبار پیرامون معراج، معجزه بودن معراج و رؤیت در شب معراج هستیم. در پایان نیز با جمع‌بندی نظرات ایشان، نتایج حاصل از این پژوهش بیان می‌گردد.

۲. مفهوم‌شناسی واژه «اسراء» و «معراج»

اسراء و معراج از اصطلاحات شناخته‌شده در باورهای دینی است. «اسراء» از ریشه «سَرَى» به معنای «سیر در شب» و نیز «شبانه کسی را بردن» است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷: ۲۹۱ و ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۴: ۳۸۲). به نظر می‌رسد اصل واحد «سَرَى»، سیر کردن به صورت مخفیانه، سَرَى و بدون تظاهر و اعلان است که می‌تواند به صورت مادی یا معنوی باشد (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۱۱۵). در اصطلاح نیز اسراء همان سیر شبانه پیامبر^(ص) از مکه به بیت‌المقدس است. «معراج» نیز از ریشه «عَرَجَ» به معنای «بالا رفتن» است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۲۲۳ و راغب اصفهانی، ۱۳۲۴: ۳۲۹). برخی معتقدند مشتقات ماده «عرج» را می‌توان به یک اصل، یعنی «انتهاء فی الصعود» بازگرداند (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۷۷). در اصطلاح نیز معراج به عروج پیامبر^(ص) از بیت‌المقدس به آسمان اشاره دارد.

۳. مخطوطه یونینی

یونینی نسخه‌ای را در زمینه اسراء و معراج پیامبر^(ص) تألیف کرده‌است. این نوشته، حاصل مناظره وی با شخصی شافعی است. در این نسخه خطی، یکی از مهم‌ترین عقاید اهل تسنن در زمینه اسراء و معراج تبیین، و کیفیت وقوع معراج به بحث گذاشته شده‌است. در این میان، ایشان به استدلالات مخالفان پرداخته‌است و شبهات ایشان را برطرف کرده‌است. روش وی در این نوشته، مبتنی بر نصوص شرعی است. وی در بیان مسئله و نیز در رد مخالفان، بسیار به آیات قرآن، احادیث نبوی و سخنان اهل علم استشهاد کرده‌است و همه موارد مذکور و دلایل نقلی را با ادله و براهین عقلی تقویت می‌کند (ر.ک؛ الشهرانی، ۱۴۲۹ ق: ۵۳۵).

نظرات یونینی در این پژوهش بر مبنای متنی است که بر اساس نسخه خطی موجود در کتابخانه دانشگاه اسلامی مدینه به شماره ۲۹۵۵ به دست آمده‌است (ر.ک؛ همان: ۵۴۴).

علی بن محمد الشهرانی از جمله عالمانی است که به مخطوطه یونینی دست یافته است و با شرح و تعلیق آن، بستری برای پژوهش‌های تطبیقی فراهم آورده است.

۴. بازخوانی آرای تفسیری طبرسی و یونینی پیرامون اسراء و معراج

در ادامه با توجه به نظرات طبرسی در مجمع‌البیان که ذیل آیه اول سوره اسراء آمده است و نیز دست‌نوشته‌ای که حاصل مناظره شیخ یونینی با شخص شافعی پیرامون مسأله اسراء و معراج است، به بررسی کم و کیف اسراء و معراج می‌پردازیم.

۴-۱. اصل وقوع معراج

«معراج» بر وزن مفعال، اسم آلت و به معنای وسیله‌ای برای صعود و عروج است (ر.ک)؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.، ج ۲: ۳۲۲). هرچند این واژه در قرآن استعمال نشده است، اما آیاتی چون آیه اول سوره اسراء به این موضوع اشاره دارد. طبرسی شأن نزول این آیه را، سیر پیامبر^(ص) از مکه به مسجدالأقصی می‌داند. از این طریق، ایشان وقوع معراج را با توجه به این آیه پذیرفته‌اند و این سفر شبانه را مورد اتفاق تمام مسلمانان می‌دانند (ر.ک)؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۰۹). علاوه بر این، طبرسی از میان روایاتی که پیرامون معراج وجود دارد، دسته‌ای را به روایاتی اختصاص می‌دهد که به طور قطع و یقین از وقوع معراج خبر می‌دهند.

شیخ یونینی نیز وقوع معراج را می‌پذیرد، چون مناظره ایشان با شیخ شافعی نیز نشان می‌دهد که ایشان درباره اصل وقوع اسراء و معراج تردیدی ندارند و آنچه سبب شکل‌گیری مناظره شده، بحث بر سر کیفیت معراج و نحوه جسمانی یا روحانی بودن آن است. در کلام ایشان، اشاره‌ای به تفاوت اسراء و معراج نشده است و آنچه از کلام شیخ یونینی در این مبحث به دست می‌آید، آن است که ایشان مسأله معراج را به همراه مسأله اسراء مورد بررسی قرار داده است (ر.ک)؛ الشهرانی، ۱۴۲۹ ق.: ۵۴۸).

۲-۴. زمان و مکان معراج

دربارهٔ مبدأ و مقصد اسراء و معراج، طبرسی آغاز معراج پیامبر^(ص) را پس از نماز مغرب و عشاء می‌داند که حضرت در مسجدالحرام خوانند و هنگام مراجعت ایشان نیز زمان نماز صبح است که آن را در بازگشت به مسجدالحرام اقامه کردند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۰۹). طبرسی از قول بیشتر مفسران بیان می‌کند که پیامبر^(ص) در آن شب در منزل امّ هانی، دختر جناب ابوطالب بودند و از آنجا که مکه و حرم، سراسر مسجد است، مقصود از مسجدالحرام در اینجا مکه است. پس مبدأ، مسجدالحرام در مکه است و مقصد هم مسجدالأقصی است که مراد همان بیت‌المقدس است (ر.ک؛ همان: ۶۱۱). یونینی هم اعتقاد دارد که با توجه به آنچه در قرآن آمده، جریان اسراء در مکه صورت گرفته است (ر.ک؛ مخطوطهٔ یونینی، دانشگاه کتابخانهٔ دانشگاه اسلامی مدینه: ۲۹۵۵).

دربارهٔ زمان وقوع معراج و اسراء میان علما اختلاف وجود دارد و اقوال بسیاری در این زمینه آورده‌اند. ابن سعد و دیگران آن را یک سال قبل از هجرت می‌دانند. نووی نسبت به این قول جزم داشته است و ابن حزم در آن مبالغه و ادعای اجماع کرده است که صحیح نیست. بعضی جریان اسراء و معراج را شش ماه قبل از هجرت، گروهی یازده ماه، برخی یک سال و دو ماه، عده‌ای یک سال و سه ماه، گروهی هیجده ماه، بعضی سه سال، و برخی پنج سال قبل از هجرت می‌دانند (ر.ک؛ نووی، بی‌تا، ج ۲: ۲۰۹؛ ابن قیّم، ۱۹۹۸، م، ج ۳: ۳۷؛ ابن ابی‌العز، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۲۷۲؛ ابن حجر، ۱۳۸۰ ق، ج ۷: ۲۰۳؛ سفارینی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲: ۲۸۰ و الشهرانی، ۱۴۲۹ ق: ۵۵۲).

از میان اقوال گفته شده پیرامون زمان وقوع معراج، طبرسی زمان آن را یک سال پیش از هجرت می‌داند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۱۱) و یونینی نیز بر همین عقیده است (ر.ک؛ مخطوطهٔ یونینی، دانشگاه کتابخانهٔ دانشگاه اسلامی مدینه: ش ۲۹۵۵).

۳-۴. کیفیت وقوع معراج

یکی از مسائل اساسی درباره معراج، کیفیت وقوع معراج، اختلاف نظرها و تضارب آرا در این زمینه است. طبرسی نظر کسانی را که معراج پیامبر^(ص) را روحانی دانسته‌اند و آن را جزئی از خواب می‌پندارند، باطل می‌داند. فخر رازی در *مفاتیح‌الغیب* به این موضوع اشاره کرده، می‌گوید عروج روحانی از طریق حدیقه در تفسیر طبرسی نقل شده‌است و مسئله معراج در خواب از طریق عایشه و معاویه نقل شده‌است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰: ۲۹۳). ابن شهر آشوب نیز در *مناقب*، ضمن فصلی که به روایات معراج اختصاص داده‌است، به اختلاف میان گروه‌های مختلف درباره جسمانی یا روحانی بودن معراج اشاره می‌کند: «اِخْتَلَفَ النَّاسُ فِي الْمِعْرَاجِ فَالْخَوَارجُ يُنْكِرُونَهُ وَقَالَتِ الْجَهْمِيَّةُ عُرْجَ بَرُوجِهِ دُونَ جِسْمِهِ عَلَى طَرِيقِ الرُّؤْيَا وَقَالَتِ الْإِمَامِيَّةُ وَالزَّيْدِيَّةُ وَالْمُعْتَزَلَةُ بَلْ عُرْجَ بَرُوجِهِ وَبِجِسْمِهِ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۷۶). در این میان، طبرسی معتقد است معراج، نوعی معجزه است و با استناد به اخباری که پیرامون معراج آمده‌است و مقبول عقل است، می‌گوید معراج در بیداری بوده‌است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۰۹). این بیداری به معنای آن است که معراج جنبه جسمانی و روحانی توأمان داشته‌است. وی بیان می‌کند که میان دیدن در بیداری و دیدن در خواب تفاوت وجود دارد. در بیداری، آنچه رؤیت می‌شود، با چشم سر دیده می‌شود، اما در خواب، تصوّر چیزی در قلب، بنا بر خیال دیدن آن با حسّ بصر، بدون آنکه واقعاً با حسّ بصر دیده شده باشد، مد نظر است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۶۴).

یونینی نیز اعتقاد دارد اگر معراج در خواب صورت می‌گرفت، نه فضیلتی برای پیامبر^(ص) شمرده می‌شود و نه کافران آن را انکار می‌کردند (ر.ک؛ الشهرانی، ۱۴۲۹ ق: ۵۶۱). یونینی ضمن ارائه دلایلی، بر این نکته تأکید می‌نماید که معراج به صورت جسمانی و روحانی در بیداری صورت گرفته‌است. به عقیده ایشان، عبارت «لُنْرِيهِ مِنْ آيَاتِنَا» در آیه آمده‌است و هر گاه کلمه رؤیت به صورت مطلق بیاید، منظور دیدن با چشم است و دلالت

بررسی تطبیقی دلالت‌های مفهومی آیه اسراء در تفاسیر فریقین...؛ فاطمه دست‌رنج | ۲۵۷

آن بر این معنا نیز تام‌تر خواهد بود (ر.ک؛ مخطوطه یونینی، دانشگاه کتابخانه دانشگاه اسلامی مدینه: ۲۹۵۵).

بنابراین، اگر اسراء و معراج را در جنبه روحی محدود کنیم، در این صورت، معجزه نخواهد بود، بلکه نوعی کشف و شهود محسوب می‌شود. حال آنکه حادثه اسراء و معراج متضمن شرافتی بس عظیم برای پیامبر^(ص) است، به‌ویژه هنگامی که ایشان در موقعیتی نزدیک‌تر از فاصله دو کمان، نسبت به پروردگار قرار می‌گیرند و اگر اسراء و معراج تنها به واسطه روح صورت پذیرد، این موقعیت حاصل نمی‌شود.

درباره تبیین کیفیت وقوع معراج، طبرسی و شیخ یونینی، از گزاره عقلانی استفاده می‌کنند و مبنای آن‌ها برای اعتقاد به جسمانی و روحانی بودن توأمان، خارق‌العاده بودن و معجزه بودن این واقعه است. از نظر ایشان، معراج در صورتی معجزه‌گونه است که هم روحانی، هم جسمانی باشد؛ چرا که حالت روحانی، صرف شهود و مکاشفه قلبی را می‌رساند و عقلاً این امر خارق‌العاده‌ای نیست. با توجه به آیات ۱-۱۷ سوره نجم، آنچه را که پیامبر^(ص) دیده، به دو صورت درک کرده‌است؛ یعنی یک بار با قلب و یک بار با چشم خود این حقایق را دیده‌است. همچنین، رؤیت در سدره‌المنتهی اتفاق افتاده‌است که هیچ اختلافی در وقوع آن در آسمان نیست (ر.ک؛ الشهرانی، ۱۴۲۹ ق.:. ۵۶۶-۵۷۷). شیخ یونینی با بیان این دلایل، تأکید می‌کند که معراج به صورت جسمانی و روحانی صورت گرفته‌است و وقوع آن در بیداری بوده‌است.

با توجه به اینکه شیخ یونینی اثبات کیفیت معراج را محور مباحث خود قرار داده، به هدف معراج اشاره‌ای نکرده‌است. اما طبرسی با توجه به «لُنْرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا»، هدف معراج را رؤیت حجت‌های شگفت خداوند از سوی پیامبر^(ص) می‌داند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۱۱).

۵. تحلیل طبرسی و یونینی از روایات معراج

حوزه دیگری که طبرسی و یونینی از آن بهره برده‌اند، رجوع به روایات است. بسیاری از آنچه درباره ماجرای اسراء و معراج مطرح می‌شود، حاصل روایات و اخباری است که در منابع متعدد شیعه و اهل سنت وجود دارد (برای مثال، ر.ک؛ قمی، ۱۴۰۴ ق.، ج ۲: ۳ و ۲۴۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۳۷، ۲۷۷ و ۲۷۹؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۱۵۰، ۱۸۳، ۳۵۴، ۳۸۶ و ۴۴۸؛ همان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۳۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق.، ج ۱۵: ۲۹۰؛ علوی، ۱۴۲۸ ق.: ۱۱۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۱: ۴۸؛ طبرانی، ۲۰۰۸ م.، ج ۲: ۱۹۸، ج ۳: ۴۸۲؛ همان، ج ۴: ۹۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ ق.، ج ۲۰: ۸۶ و همان، ج ۳۸: ۵۳۳؛ بخاری، ۱۴۱۰ ق.، ج ۶: ۳۴؛ نیشابوری، ۱۴۱۲ ق.، ج ۱: ۱۴۸؛ ابن ماجه، بی تا، ج ۳: ۵۹۶؛ ترمذی، ۱۴۱۹ ق.، ج ۵: ۳۳۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق.، ج ۴: ۱۳۶). این دست روایات مورد عنایت طبرسی و یونینی نیز در تبیین مسأله معراج قرار گرفته‌است. طبرسی برای تبیین و تفسیر معراج و چگونگی کیفیت آن روایات را در چهار دسته قرار می‌دهد:

الف. اخباری که به دلیل تواتر، قطعی و یقینی است. این روایات آن دسته از اخباری هستند که از سفر شبانه پیامبر^(ص) خبر می‌دهند و اصل وقوع معراج و اسراء را تأیید می‌کنند؛ مانند روایاتی که به سفر پیامبر با براق به همراهی جبرئیل اشاره دارد و یا روایاتی با این مضمون که ابوبصیر از امام صادق^(ع) نقل می‌کند که جبرئیل پیامبر را به جایی از آسمان برد و او را رها کرد و به ایشان گفت هیچ پیامبری تاکنون به جای تو نیامده بود (ر.ک؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۷۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۹۲ و مجلسی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۱۸: ۳۷۵).

ب. روایاتی که مورد پذیرش عقل و سازگار با اصول عقلانی است. این روایات از سیر پیامبر^(ص) در آسمان‌ها خبر داده‌است و آنچه را پیامبر^(ص) رؤیت کرده، روایت می‌کند.

ج. روایاتی که با اصول دین سازگار نیستند، اما می‌توان آن‌ها را به گونه‌ای تأویل کرد که سازگار تلقی شوند. این روایات شامل اخباری است که می‌گویند پیامبر^(ص) گروهی را دید که از نعمت‌های بهشت برخوردارند و گروهی را مشاهده کرد که گرفتار عذاب آتش

هستند؛ به عنوان نمونه، در روایت مفصلی که در *بحارالانوار* آمده به دخول پیامبر به بهشت اشاره کرده‌است و آنچه پیامبر دیده و شنیده را شرح می‌دهد: «ثُمَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَرَأَى مَا فِيهَا وَ سَمِعَ صَوْتًا آمَنًا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ هُوَ لَأَيُّ سَحْرَةٍ فِرْعَوْنُ وَ سَمِعَ لَيْبِكَ اللَّهُمَّ لَيْبِكَ قَالَ هُوَ لَأَيُّ الْحُجَّاجِ وَ سَمِعَ التَّكْبِيرَ قَالَ هُوَ لَأَيُّ الْغَزَاةِ وَ سَمِعَ التَّسْبِيحَ قَالَ هُوَ لَأَيُّ الْأَنْبِيَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸: ۳۸۲). طبرسی در توجیه این روایات می‌گوید، آن‌ها را می‌پذیریم و این گونه می‌گوییم که پیامبر^(ص) صفت یا نام آن‌ها را مشاهده کرده‌است.

۵. اخباری که به حسب ظاهر نادرست بوده، قابل تأویل نیستند. این دسته از روایات از مشاهده خداوند از سوی پیامبر^(ص) با چشم سر و یا نشستن پیامبر^(ص) کنار خداوند بر تخت، یا شکافتن و شکستن قلب پیامبر سخن می‌گویند؛ مانند روایات مفصلی که طبری در *جامع‌البیان*، از قول ابوهریره نقل می‌کند و در بخشی از آن بیان می‌کند که: «... ائنتی بطست من ماء زمزم کما أظهر قلبه، و أشرح له صدره، قال: فشق عن بطنه، فغسله ثلاث مرآت...» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۵: ۶). طبرسی اخبار مربوط به رؤیت خداوند را به این دلیل که تشبیه‌پذیری و جسمانیت قائل شدن برای ذات اقدس الهی را سبب می‌شود، رد کرده، نمی‌پذیرد. همچنین، درباره روایاتی که از شستشوی قلب پیامبر^(ص) با آب زمزم سخن می‌گویند، اعتقاد دارد در صورت پذیرش باید آن‌ها را بر تمثیل حمل کنیم (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۰۹).

طبرسی از میان اخبار، چهار روایت از روایاتی را که به معراج اشاره دارند، نقل می‌کند. روایت اول را از پیامبر^(ص) نقل می‌کند که جبرئیل، مکائیل و اسرافیل به استقبال پیامبر^(ص) آمده، سپس جبرئیل با پیامبر^(ص) همراه شده‌است و از نماز خواندن آن حضرت در بیت‌المقدس خبر می‌دهد. سپس مشاهدات پیامبر^(ص) را در آسمان‌ها بیان می‌کند. در ادامه این روایت، با نقل خبری از ابوهریره، از مشاهدات پیامبر^(ص) در آسمان ششم و هفتم یاد می‌کند، تا اینکه پیامبر^(ص) به اعلیٰ علیین رسیده، با خداوند تکلم کرده، سپس در بامدادان مراجعت می‌نماید. سپس پیامبر^(ص) آنچه را رؤیت کرده بود، برای مردم مکه بازگو می‌کند، اما آن‌ها از پذیرش آن استنکاف می‌ورزند. پیامبر^(ص) در صدق سخن خود، چندین نشانه از

سفر خود و کاروانیانی که در این مسیر مشاهده کرده، برای آنان بیان می‌کند. با این حال آن‌ها با وجود مشاهده نشانه‌ها، از سرِ عناد سخنان پیامبر^(ص) را انکار می‌کنند و ایمان نمی‌آورند. روایت سوم را از تفسیر عیاشی و از امام صادق^(ع) نقل می‌کند که از ملاقات پیامبر^(ص) با «مالک» (فرشته دوزخ) سخن می‌گوید (ر.ک؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۷۸). در روایت دیگری که در تفسیر عیاشی آمده است (ر.ک؛ همان: ۲۷۷)، ابوبصیر از امام صادق^(ع) نقل می‌کند که جبرئیل پیامبر را به جایی از آسمان برد و او را رها کرد و به ایشان گفت هیچ پیامبری تاکنون به جای تو نیامده بود (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۰۹-۶۱۱). طبرسی این روایات را در تأیید نظرات خود در زمینه معراج و اسراء آورده است و از آن‌ها برای بسط و تبیین واقعه معراج بهره می‌برد. اما بهره‌گیری شیخ یونینی از روایات، بیش از طبرسی است و حجم عمده‌ای از مناظره شیخ یونینی با فرد شافعی، به بررسی روایات معراج اختصاص دارد.

از نظر ایشان، پیامبر^(ص) جریان اسراء را در چندین حدیث، ابتدا از مکه به بیت المقدس و از آنجا به درجاتی از ملکوت که خدا اراده کرده است، ذکر می‌کند و همه این احادیث صحیح هستند؛ مانند آنچه در صحیح بخاری (باب حدیث اسراء و باب معراج از کتاب مناقب الأنصار) و صحیح مسلم (جلد اول، صفحه ۱۴۵ و ما بعد، باب اسراء پیامبر^(ص) به آسمان‌ها و وجوب نماز از کتاب الایمان) آمده است. حدیث اسراء را از ابوذر، ابن عباس، انس بن مالک، مالک بن صعصعه، جابر بن عبدالله و ابوهریره از طریق جماعتی روایت کرده‌اند. راویان دیگری غیر از بخاری و مسلم نیز این حدیث را از همین طریق و نیز از طرق دیگری به نقل از عایشه و ابن عباس روایت کرده‌اند (ر.ک؛ الشهرانی، ۱۴۲۹، ق.: ۵۷۱)؛ به عنوان نمونه، در مسند احمد بن حنبل، پیرامون روایاتی که درباره معراج و اسراء آمده است، راویانی چون همام بن یحیی، قتاده، زرارة بن أوفی و سعید بن جبیر حضور دارند (ر.ک؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶، ق.: ۵: ۲۸-۳۳).

رویکرد یونینی در استفاده از روایات، رویکرد ایجابی است و او از روایاتی بهره می‌برد که واقعه معراج را پذیرفته‌اند و آن را شرح می‌دهند. او در نوشته‌های خود، مجموعه‌ای از

روایاتی را گرد می‌آورد که در منابع اهل سنت پیرامون معراج آمده‌است؛ برای مثال، او از قول عایشه و ابن عباس روایتی را نقل می‌کند که به گفت‌وگوی پیامبر^(ص) و ابوجهل اختصاص دارد و اینکه ابوجهل و آنگاه سایر مردم مکه آنچه را پیامبر^(ص) درباره سیر شبانه‌اش گفته بود، انکار کردند. در این روایت آمده مردمی که از بیت‌المقدس آمده بودند، درباره نشانه‌هایی از بیت‌المقدس و نیز کاروان‌هایی که در مسیر بودند، از پیامبر^(ص) سؤال کردند و او^(ص) نشانه‌های متعددی را برای ایشان بیان کرد که مطابق با حقیقت بود، اما بازهم اطرافیان از پذیرش آن خودداری کردند و ایمان نیاوردند! یونینی مصادر چندی را برای این روایت نقل می‌کند (عبارت «ثُمَّ قَالُوا يَا مُحَمَّدٌ أَخْبِرْنَا عَنْ عَيْرِنَا... الخ» را از حدیث امّ هانی الهیثمی در مجمع‌الزوائد، جلد اول، صفحات ۷۵-۷۶ روایت کرده‌است که طبرانی آن را در الکبیر آورده‌است. ابن کثیر در صفحه ۲۲ از جلد سوم تفسیر خود و سیوطی در صفحات ۲۰۸-۲۰۹ از جلد پنجم کتاب الدر المنثور، آن را نقل کرده‌اند).

نقد اصلی یونینی با توجه به جهتی که او در مناظره‌اش داشته، نقد روایتی است که مدعای اصلی شیخ شافعی در روحانی بودن معراج است. این روایت از عایشه نقل شده که معراج را امری روحانی می‌داند: «مَا فَقَدَ جَسَدُ رَسُولِ اللَّهِ وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أُسْرَى بَرُوحِهِ» (ابن اسحاق، بی تا: ۲۷۵). یونینی این روایت را نقد می‌کند و دلایلی را بر رد آن برمی‌شمرد. اول آنکه این روایت به دلیل انقطاع سند، ضعیف است و دیگر آنکه عایشه تنها از شنیده‌ها سخن می‌گوید، نه از آنچه دیده و رؤیت کرده‌است؛ زیرا معراج پیامبر^(ص) در مکه صورت پذیرفته بود و ازدواج پیامبر^(ص) با عایشه در مدینه بود و بین حادثه معراج و ازدواج ایشان، سالیان زیادی فاصله است. سوم اینکه روایت عایشه مخالف اقوال جمهور صحابه است (ر.ک؛ الشهرانی، ۱۴۲۹ ق: ۵۴۸).

۶. معجزه بودن معراج در اندیشه طبرسی و یونینی

خداوند متعال، پیامبر اکرم^(ص) را با دلایل، آیات و براهینی که بر صدق دعوت او و اثبات نبوتش دلالت دارد، تأیید نمود. معجزات بسیاری به دست پیامبر^(ص) صورت پذیرفته‌است و

نظری وجود دارد مبنی بر اینکه هیچ معجزه‌ای به وسیله انبیای گذشته صورت نپذیرفته، مگر آنکه نظیر آن به دست پیامبر^(ص) تحقق یافته است (ر.ک؛ قاضی عیاض، بی تا، ج ۱؛ ابن سیدالناس، ۱۹۷۴ م، ج ۲: ۲۸۶؛ بوصیری، ۱۴۱۱ ق: ۳۱۱). از جمله مسائلی که می توان حول معجزات پیامبر^(ص) آن را بررسی نمود، مسأله معراج است.

طبرسی این نظر را که معراج امری صرفاً روحانی است و در عالم خواب واقع شده نمی پذیرد؛ زیرا معتقد است خواب معجزه نیست و نمی تواند برهان واقع شود (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۰۹). از این رو، وی معراج را یکی از معجزات شگفت انگیز پیامبر^(ص) تلقی می کند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۱۱). به نظر می رسد وجه اعجاز معراج نیز وقوع آن در بیداری است که لازمه آن، حضور توأمان جسم و روح است.

یونینی نیز معراج را از معجزات پیامبر^(ص) می داند و یکی از دلایلی که در اثبات روحانی و جسمانی بودن معراج بیان می کند، معجزه بودن معراج است (ر.ک؛ الشهرانی، ۱۴۲۹ ق: ۵۳۸)؛ زیرا هنگام خواب، روح از جسم خارج می شود و صعود می کند و فرود می آید و این، امری طبیعی است: $\text{III} \text{ } \Pi \text{ } \text{الله يتوفى الأنفس حين موتها والتي لم تمت في منامها فيمسك التي قضى عليها الموت ويرسل الأخرى إلى أجل مسمى إن في ذلك لآيات لقوم يتفكرون}$ (الزمر / ۳۹). اما معراج، معجزه است؛ زیرا این سفر به صورت جسمانی و روحانی صورت گرفته است.

۷. رؤیت الهی در معراج

یکی دیگر از حوزه های چالش برانگیز درباره معراج، مسأله «رؤیت خداوند» در شب معراج است. با توجه به «لُتْرِيهِ مِنْ آيَاتِنَا» در آیه اول سوره اسراء و یا آیات ابتدایی سوره نجم که از رؤیت پیامبر^(ص) سخن می گوید، اصل رؤیت قابل انکار نیست، اما کیفیت این رؤیت و تعیین اموری که پیامبر^(ص) رؤیت کرده، محل اختلاف است که به تبع آن، مسأله روحانی و جسمانی بودن معراج و نیز رؤیت قلبی و رؤیت بصری موضوعیت می یابد. در این زمینه باید گفت پذیرش روحانی بودن معراج، با مفهوم آیه شریفه $\text{II} \text{ } \text{مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى}$ (النجم / ۱۷) در تعارض است؛ لذا تفکیک رؤیت خداوند از یک سو و رؤیت اموری نظیر

ملائکه و جبرئیل، درجات بهشت و درکات جهنم، پیامبران گذشته و... سبب فهم بهتر روایاتی می‌شود که به مقوله نفی و اثبات رؤیت اشاره می‌کنند.

اگرچه دیدگاه اغلب عالمان، عدم رؤیت خداوند است (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۲۴۴؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ ق.، ج ۷: ۲۹۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۹ ق.، ج ۷: ۲۹۷؛ دارمی، ۱۴۰۵ ق.، ج ۱: ۲۲۲)، اما پیرامون رؤیت خداوند از سوی پیامبر^(ص) در شب معراج، روایات متفاوتی در جوامع روایی شیعه و اهل سنت وجود دارد. دسته‌ای از روایات، حاکی از عدم رؤیت و دسته دیگر، بیانگر رؤیت قلبی است. در روایتی که از ابی‌عالیه روایت شده است، پیامبر^(ص) در پاسخ اینکه آیا در شب معراج خداوند را رؤیت کردند، پاسخ می‌دهند: «رَأَيْتُ نَهْرًا وَرَأَيْتُ وَرَاءَ النَّهْرِ حِجَابًا وَرَأَيْتُ وَرَاءَ الْحِجَابِ نُورًا لَمْ أَرْ غَيْرَ ذَلِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۱۸: ۲۸۸). در صحیح مسلم، ضمن بابی با عنوان «مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ رَأَوْا نَزْلَةَ أُخْرَى، وَهَلْ رَأَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَبَّهُ لَيْلَةَ الْأَسْرَاءِ» نیز روایاتی مشاهده می‌شود که بر رؤیت قلبی اشاره دارند (ر.ک؛ مسلم، ۱۴۱۲ ق.، ج ۱: ۱۵۸-۱۵۹).

دیگاه سوم، رؤیت بصری را می‌پذیرد (ر.ک؛ احمدی، ۱۴۱۲ ق.، ج ۲: ۱۴۵-۱۵۱). در توضیح این نظر باید گفت احمدبن حنبل می‌گوید پیامبر^(ص) خداوند را مشاهده کرده است؛ زیرا خواب انبیا حق است، ولی وی نمی‌گوید پیامبر پروردگارش را با چشمان سر و در حالت بیداری دیده است. کسی که این روایت را از او نقل کرده، امر بر او مشتبه شده است. به همین دلیل، یک بار می‌گوید پیامبر خدا را دید و مرتبه دیگر بیان می‌کند با قلب خود او را مشاهده کرد. از این رو، دو روایت از ایشان نقل شده است و سومین روایت که بیان می‌کند پیامبر خدا را با دو چشم سر دیده است نیز ناشی از تصرفات اصحاب است؛ زیرا در نصوص و روایات موجود از احمدبن حنبل، قسم سوم روایات، یعنی روایاتی که دال بر رؤیت پروردگار باشد، وجود ندارد (ر.ک؛ ابن‌قیم، ۱۹۹۸ م.، ج ۳: ۳۳-۳۴). دیدگاه چهارم نیز توقف در این مسئله است (ر.ک؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۱: ۴۱۷-۴۳۳؛ ابن‌خزیمه، ۱۴۰۳ ق.:

۱۹۷ به بعد؛ قاضی عیاض، بی‌تا، ج ۱: ۱۹۵ به بعد؛ قرطبی، ۱۴۱۶ ق.، ج ۲: ۱۴۶-۱۵۳).
حافظ بن حجر در این زمینه می‌گوید:

«از ابن عباس خبر مطلق رسیده است و خبر دیگری آن را مقید ساخته است. بنابراین، حمل مطلق بر مقید واجب است... در این صورت، سخن ابن عباس درباره اثبات رؤیت و سخن عایشه مبنی بر نفی رؤیت بصری ممکن است؛ بدین صورت که اثبات رؤیت به شهود قلبی برمی‌گردد و نفی رؤیت به عدم رؤیت بصری برمی‌گردد و مراد از شهود قلبی، تنها حصول علم نیست؛ زیرا علم به خداوند همیشه ملازم پیامبر^(ص) بوده است» (ابن حجر، ۱۳۸۰ ق.، ج ۸: ۶۰۸).

از میان نظرات گفته شده، دیدگاه طبرسی بر عدم رؤیت پروردگار است. ایشان در بخشی که به روایات معراج می‌پردازند، روایات دسته چهارم را در زمره روایاتی قرار می‌دهند که پذیرش آن‌ها ممکن نیست. این روایات، روایاتی است که از سخن گفتن آشکار خداوند، یا دیدن خداوند با چشم سر از سوی پیامبر^(ص)، یا تکیه زدن پیامبر^(ص) بر تختی کنار خداوند سخن می‌گویند. طبرسی این مطالب و اخبار را رد کرده، آن‌ها را نمی‌پذیرد؛ زیرا این اخبار به معنی تشبیه خداوند به موجودات جسمانی است و خداوند منزّه از تشبیه است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۰۹). طبرسی بر مبنای باور کلامی خود، تشبیه و تجسیم خداوند را درباره رؤیت رد می‌کند. یونینی آیه ۶۰ سوره اسراء (وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ) را اشاره به رؤیت بصری می‌داند که در شب اسراء برای پیامبر^(ص) اتفاق افتاده است. همچنین، از قول بیهقی در کتاب *المعتقد بیان* می‌کند:

«از میان تمام اقوالی که درباره رؤیت پیامبر^(ص) ذکر شده، این قول درست است که آنچه پیامبر^(ص) در شب اسراء دیده، اعم از رؤیت پیامبران، بهشت و جهنم، رؤیت بصری و از طریق چشم و در حال بیداری بوده است و قول ابن عباس بر قول عایشه ترجیح دارد، برای اینکه کلام او در مقام اثبات است، در حالی که کلام عایشه در مقام نفی است و

۱. منظور این است که روایتی از رؤیت خداوند از سوی پیامبر خبر می‌دهد، اما روایتی دیگر این مشاهده را به مشاهده قلبی مقید می‌کند.

طبق قواعد مستقر، جانب اثبات بر جانب نفی ارجحیت داشته و بر آن مقدم می‌باشد»
(بیهقی، ۱۴۰۸ ق.: ۲۳۵-۲۳۶).

یونینی در اینجا تصریح می‌کند که اسراء و معراج در بیداری بوده، همه اخبار پیامبر^(ص) درباره رؤیت ملائکه، پیامبران، بهشت، جهنم و دیگر آیات پروردگار در آن شب، از نوع رؤیت بصری بوده‌است و البته مسئله رؤیت خداوند عزّ و جلّ را ذکر نمی‌کند. یونینی درباره رؤیت خداوند، برخلاف باوری که تجسیم و تشبیه را به خداوند نسبت می‌دهد، عمل می‌کند. ایشان تلاش دارند علاوه بر تبیین گفته احمد بن حنبل درباره رؤیت خداوند، با تطبیق دادن این رؤیت بر جبرئیل، مسئله رؤیت بصری و عینی خداوند را منتفی سازند. ایشان اصل رؤیت و آن هم رؤیت بصری را می‌پذیرد. چنانچه معتقد است با توجه به قول ابن عباس و با توجه به ظاهر قرآن، رؤیت پیامبر^(ص) در آسمان و در سدره‌المنتهی به وقوع پیوسته‌است. اما رؤیتی را که در سدره‌المنتهی صورت گرفته، بنا بر نظر صحیح، رؤیت جبرئیل می‌داند. طبق اقوال مفسران، صحیح این است که مراد از کسی که رؤیت شده، با توجه به آیات سوره نجم، حضرت جبرئیل است و پیامبر^(ص) دو بار او را در صورت و شکل اصلی‌اش رؤیت کرد: یک بار در زمین و بار دیگر در سدره‌المنتهی و در شبی که اسراء واقع شد. عایشه نیز این قول را اثبات می‌کند. او در جواب ابن مسروق درباره این آیه می‌گوید من اولین فرد این امتم که از رسول خدا در این زمینه سؤال کرد و پیامبر^(ص) در جواب گفت: او جبرئیل بوده‌است و من جز این دو مرتبه هرگز جبرئیل را در هیأت واقعی‌اش مشاهده نکردم». اما ابن عباس، انس و پیروان آنها بر این باورند که پیامبر^(ص) پروردگار خویش را مشاهده کرده‌است. اما همگی بر این مطلب که رؤیت در شب اسراء صورت گرفت، اجماع و اتفاق نظر دارند (ر.ک؛ الشهرانی، ۱۴۲۹ ق.: ۵۴۰).

مؤید دیگری که یونینی در راستای اثبات بصری بودن معراج بیان می‌کند، این است که «در یکی از قرائات سبع آمده‌است: II اما كَذَّبَ الْفُؤَادَ مَا رَأَى O که فعل با تشدید «ذال» است و معنای آن نزد علمای نحو این می‌شود که قلب آنچه را بصر دیده‌است، تکذیب نمی‌کند. به این دلیل که فعل "كَذَّبَ" متعدی است» (همان).

از مجموع سخنان یونینی برمی آید که نظر ایشان برای اثبات رؤیت بصری، در راستای اثبات جسمانی بودن معراج است که وقوع آن هم در بیداری بوده است. با توجه به استناد وی بر قول ابن عباس، نظر ایشان درباره رؤیت خداوند به وسیله پیامبر^(ص)، همان رؤیت قلبی است و منظور از رؤیت بصری، مشاهده جبرئیل، بهشت، جهنم، ملائکه و انبیاست که خود گواهی بر جسمانی بودن معراج است.

نتیجه گیری

- به رغم اختلافات فرقه حنبلی با مذهب تشیع، همگرایی بسیاری بین آرای یونینی و طبرسی پیرامون معراج و اسراء وجود دارد، به نحوی که هر دو، اصل وقوع معراج و اسراء را پذیرفته اند و درباره زمان و مکان اسراء نیز هر دو آغاز اسراء را از مکه و مقصد آن را بیت المقدس می دانند که این امر در سال اول هجرت به وقوع پیوسته است. همچنین، بهره گیری توأم از مبانی عقلی و نقلی در گفتار هر دو مشاهده می گردد.

- هر دو، معراج را در شمار معجزات پیامبر اکرم^(ص) قلمداد کرده اند که لازمه آن، وقوع معراج، در حالت بیداری و جسمانی بودن معراج است. یونینی بیش از طبرسی در راستای اثبات جسمانی بودن معراج به ارائه دلیل پرداخته است.

- بهره گیری از روایات و اخبار مرتبط با موضوع معراج، بخش مشترک مباحث آنان است. رویکرد هر دو در مواجهه با روایات، رویکردی نقادانه و توأم با پذیرش برخی روایات و رد اخباری است که با عقل، احادیث معتبر و نیز قرآن همخوانی ندارد. البته بهره گیری از روایات در سخنان یونینی بسامد بیشتری دارد، به نحوی که می توان موسوعه ای از روایات معراج را که در منابع اهل سنت آمده است، در مخطوطه یونینی مشاهده کرد.

- طبرسی صریحاً رؤیت بصری خداوند را در شب معراج رد کرده، قائل به رؤیت قلبی است. هر چند درباره رؤیت سایر امور، نظیر ملائکه، بهشت، جهنم و پیامبران گذشته، آن را رؤیت بصری و در بیداری به شمار می آورد. یونینی نیز رؤیت بصری را در راستای رؤیت

بررسی تطبیقی دلالت‌های مفهومی آیه اسراء در تفاسیر فریقین...؛ فاطمه دسترنج | ۲۶۷

بهشت، جهنم، جبرئیل و انبیای گذشته دانسته است و رؤیت خداوند را با چشم سر نمی‌پذیرد. هرچند صریحاً به این موضوع اشاره نمی‌کند.
- بهره‌گیری از دلایل عقلی و نقلی در استدلال‌های هر دو مشاهده می‌شود؛ برای مثال در اثبات معجزه بودن معراج، هر دو دلایل عقلی را مطرح می‌کنند. هرچند در مجموع، دلایل نقلی قرآنی، به‌خصوص ادله روایی، نمود بیشتری دارد.
- با توجه به اینکه یونینی، اثبات کیفیت معراج را محور مباحث خود قرار داده، در بیان ایشان به هدف معراج اشاره نشده است. اما طبرسی با توجه به «لُتْرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا» هدف معراج را رؤیت حجت‌های شگفت خداوند از سوی پیامبر^(ص) می‌داند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Fatemeh Dastranj



<https://orcid.org/0000-0001-8663-7114>

منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی‌العز الحنفی، محمد بن علی. (۱۴۰۸ق.). شرح العقیة الطحاویة. تحقیق عبدالله الترمذی و شعیب الأرنؤوط. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- ابن اسحاق، ابو عبدالله. (بی تا). سیره ابن اسحاق (کتاب المبتدأ و المبعث و المغازی). تحقیق محمد حمیدالله. قاهره: معهد الدراسات والأبحاث.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۳۹۹ق.). مجموع الفتاوی. ج ۲. گردآوری عبدالرحمن بن قاسم و محمد بن عبد الرحمن. مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- ابن حجر، شهاب‌الدین ابوالعباس. (۱۳۸۰ق.). فتح الباری شرح صحیح البخاری. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی. قاهره: المطبعة السلفية.

ابن حنبل، احمد بن محمد. (١٤١٦ق.). مسند الإمام أحمد بن حنبل. تحقیق عامر غضبان، ابراهیم زبیق و دیگران. ج ١. بیروت: مؤسسه الرساله.

ابن خزیمه، ابوبکر محمد. (١٤٠٣ق.). التوحید و إثبات صفات الرب. محمد خلیل هراس. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن سید الناس، ابوالفتح فتح الدین محمد. (١٩٧٤م.). عیون الأثر فی فنون المعازی والشمائیل والسیر. ج ٢. بیروت: دار الجیل.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (١٣٧٩ق.). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم: علامه.

ابن قیّم جوزیه، محمد بن ابی بکر. (١٤٠٢ق.). الروح. بیروت: دار الکتب العلمیه.

عبدالقادر الأرنؤوط. ج ٣. بیروت: مؤسسه الرساله.

ابن کثیر، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل. (بی تا). البدایة والنهایة. بیروت: مکتبه المعارف.

ابن ماجه، محمد بن یزید. (بی تا). سنن ابن ماجه. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار الفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (١٤١٤ق.). لسان العرب. ج ٣. بیروت: دار صادر.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (١٤١٠ق.). صحیح البخاری. تحقیق وزارة الأوقاف. قاهره، جمهوریه مصر العربیه، وزارة الأوقاف، المجلس الأعلى للشئون الإسلامیه، لجنة إحياء كتب السنه.

امین، محسن. (١٤٢٠ق.). اعیان الشیعه. تحقیق حسن امین. بیروت: دار التعارف.

احمدی، عبدالله. (١٤١٢ق.). المسائل و الرسائل المرویه عن الإمام أحمد فی العقیده. ریاض: دار طیبه.

ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (١٤٠٨ق.). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تحقیق محمد جعفر یاحقی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

بوصیری، احمد. (١٤١١ق.). علامات النبوه. تحقیق أم عبدالله بنت محروس العسلی. جده: مکتبه السوادی.

بیهقی، ابی بکر. (١٤٠٨ق.). الإعتقاد و الهدایة إلى سبیل الرشاد علی مذهب السلف وأصحاب الحدیث. تحقیق السید الجمیلی. بیروت: دار الکتاب العربی.

ترمذی، محمد بن عیسی. (١٤١٩ق.). سنن الترمذی. تحقیق احمد محمد شاکر. مصر: دار الحدیث.

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). تفسیر موضوعی قرآن کریم. ج ۲. قم: نشر اسراء.
- حنبلی، ابن رجب. (بی تا). طبقات الحنابلة. بیروت: دار المعرفة.
- حنبلی، ابن عماد. (بی تا). شذرات الذهب فی أخبار من ذهب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- دارمی، عثمان بن سعید. (۱۴۰۵ق). الرد علی الجهمیه. تحقیق بدر البدر. کویت: الدار السلفیه.
- دایره المعارف قرآن کریم. (۱۳۹۲). ج ۱. تهران: حکمت.
- دویش، احمد. (۱۴۱۱ق). فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیه والإفتاء. ریاض: دار اولی النهی.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۲۴ق). تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام. تحقیق بشار عواد معروف. بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- ذهبی، محمد بن احمد. (بی تا). تذکره الحفاظ. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ذهبی، محمد حسین. (بی تا). التفسیر و المفسرون. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- راغب، حسین بن محمد. (۱۳۲۴). المفردات فی غریب القرآن. تهران: نشر کتاب.
- سفارینی، محمد بن احمد. (۱۴۱۱ق). لوامع الأنوار البهیة و سواطع الإسراء الأثریه شرح الدرّة المضیه فی عقیده الفرقة المرضیه. ج ۳. ریاض: المکتب الإسلامی و دار الخانی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- الشهرانی، علی بن محمد. (۱۴۲۹ق). «جزء فی الإسراء والمعراج بالنبی». مجلة جامعة ام القرای لعلوم الشریعة والدراسات الإسلامیه. ع ۴۴. صص ۵۲۶-۵۸۴.
- شعرانی، ابوالحسن. (۱۳۸۰). نشر طوبی. گردآوری محمد قریب. تهران: اسلامیه.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۶). أمالی. تهران: کتابچی.
- _____ . (۱۳۸۵). علل الشرایع. قم: کتابفروشی داروی.
- صفدی، صلاح الدین. (۱۴۰۲ق). الوافی بالوفیات. فیسبادن: نشر فرانز شتاينر.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (بی تا). المعجم الکبیر. تحقیق حمدي السلفی. بغداد: مطبعة الأمة.

- طبرسی، فضل بن حسن. (١٣٧٢). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تصحیح هاشم رسولی و فضل الله یزدی طباطبایی. ج ٣. تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، احمد بن علی. (١٤٠٣ق.). الإجتجاج علی أهل اللجاج. تصحیح محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التیان فی تفسیر القرآن. تحقیق احمد قیصر آملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طهرانی، آقابزرگ. (١٩٧٢م.). طبقات اعلام الشیعه. تحقیق علی نقی منزوی. بیروت: دار الکتب العربی.
- طبری، محمد بن جریر. (١٤١٢ق.). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دار المعرفة.
- علیمی، عبد الرحمن. (١٩٩٧م.). المنهج الأحمدي فی تراجم أصحاب الإمام أحمد. تحقیق عبدالقادر الأرنؤوط. دمشق: دار صادر و دار البشائر.
- علوی، محمد بن علی. (١٤٢٨ق.). المناقب (للعلوی). تصحیح حسین موسوی بروجردی. قم: دلیل ما.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (١٣٨٠ق.). التفسیر (تفسیر العیاشی). تحقیق هاشم رسولی. تهران: مکتبه العلمیه الإسلامیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (١٤٢٠ق.). مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قاضی عیاض، عیاض بن موسی. (بی تا). الشفا بتعریف حقوق المصطفی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قرطبی، ابی العباس. (بی تا). المفهم شرح صحیح مسلم. تحقیق حسینی أبو فرح و دیگران. قاهره - بیروت: دار الکتب المصری و دار الکتب اللبنانی.
- قرطبی، ابی عبدالله. (١٤١٦ق.). الأسنی فی شرح أسماء الله الحسنی. تحقیق محمد حسن جبل. طارق أحمد محمد و مجدی فتحی السید. طنطا: دار الصحابه.
- قمی، علی بن ابراهیم. (١٤٠٤ق.). تفسیر القمی. تصحیح طیب موسوی. قم: دار الکتب.
- کخاله، عمر رضا. (بی تا). معجم المؤلفین. قاهره: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (١٤٢٩ق.). الکافی. قم: دار الحدیث.

- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. ج ۲. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نووی، یحیی بن شرف. (بی تا). *شرح صحیح مسلم*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۱۲ق.). *صحیح مسلم بن الحجاج*. تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی.
- قاهره: دار الحدیث. هیثمی، علی بن ابی بکر. (۱۴۰۲ق.). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*. ج ۳.
- بیروت: دار الکتب العربی.
- یونینی، موسی. (۱۴۱۳ق.). *مرآة الزمان، لموسی الیونینی*. ج ۳. قاهره: دار الکتب الإسلامی، الفاروق الحدیثه.

Reference

The Holy Quran.

- Abulfatah Razi, Hossein ibn Ali. (1998). *Rawz al-Janan va Rawh al-Jenan fi Tafsir al-Qur'an*. Mohammad Ja'far Yahaghi's Research. Mashhad: Astan Qods Razavi Islamic Research Institute. [In Persian].
- Ahmadi, Abdullah. (1992). *Al-Masa'el va al-Rasa'el al-Marwiyyah 'an Imam Ahmad fi al-Aqeedah*. Riyaz: Dar Tayyebah. [In Arabic].
- Alavi, Mohammad ibn Ali. (2007). *Al-Managheb (Lel-Alavi)*. Corrected by Hossein Mousavi Boroujerdi. Qom: Dalil-e Ma. [In Persian].
- 'Alimi, Abdul Rahman. (1997). *Al-Menhaj al-Ahmad fi Tarajem-e Ashab al-Imam Ahmad*. Abdul Qadir Arnaout's Research. Damascus: Dar Sader and Dar al-Basha'er. [In Arabic].
- Amin, Mohsen. (1999). *A'ayan al-Shi'eh*. Hasan Amin's Research. Beirut: Dar Ta'arof. [In Persian].
- 'Ayyashi, Mohammad ibn Masoud. (1961). *Al-Tafsir (Tafsir al-Ayyashi)*. Research by Hashem Rasouli. Tehran: Elmiyyat al-Islamiyyah School. [In Persian].

- Beyhaghi, Abi Bakr. (1988). *Al-'Eteghad va al-Hedayat 'ela Sabil al-Reshad 'ala Mazhab al-Salaf va Ashab al-Hadith*. The Research of al-Seyyed al-Jamili. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi. [In Arabic].
- Bousiri, Ahmad. (1991). *'Alamat al-Nobowwat*. The Research of Omm-e Abdullah bent Mahrous al-Asali. Jaddeh: Al-Saoudi Library. [In Arabic].
- Bukhari, Mohammad ibn Ismail. (1990). *Sahih al-Bukhari*. Research of the Ministry of Endowments. Cairo, Arab Republic of Egypt, Ministry of Endowments, Majlis-e A'ala for Islamic Affairs, Committee for Revival of Books of the Sunnah. [In Arabic].
- Daremi, Osman ibn Saeed. (1985). *Al-Radd 'ala al-Jahmiyeh*. Badr al-Badr Research. Kuwait: Dar al-Salafiyeh. [In Arabic].
- Davish, Ahmad. (1991). *Fatawi al-Jannat al-Daemat lel-Bohous al-Elmyyeh va al-'Efta*. Riyaz: Dar awla al-Noha. [In Arabic].
- Dictionary of Qur'an Karim*. (2013). Vol. 1. Tehran: Hekmat. [In Persian].
- Fakhr Razi, Mohammad ibn Omar. (1999). *Mafatih al-Ghaib (Al-Tafsir al-Kabir)*. Beirut: Dar Ehya Toras al-Arabi. [In Arabic].
- Javadi Amoli, Abdullah. (2000). *Tafsir-e Mawzou'ei-e the Holy Quran*. 2th. Qom: Esra Publishing. [In Persian].
- Hanbali, Ibn Emad. (ND). *Shazerat al-Zahab fi Akhbar-e men Al-Zahab*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah. [In Arabic].
- Hanbali, Ibn Rajab. (ND). *Tabaghat al-Hanabeleh*. Beirut: Dar al-M'arefa. [In Arabic].
- Haythami, Ali ibn Abi Bakr. (1982). *Majma al-Zava'ed va Manba al-Fava'ed*. 3th. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi. [In Arabic].
- Ibn Abi al-'Ez al-Hanafi, Mohammad ibn Ali. (1988). *Sharh-e Aghidat al-Tahawiah*. Abdullah al-Turki and Sho'eyb Arnaout's Research. Beirut: Risala Institute. [In Arabic].
- Ibn Hanbal, Ahmad ibn Mohammad. (1996). *Mosnad-e Imam Ahmad ibn Hanbal*. The Research of Amer Ghazban, Ebrahim Zeibaq and etc. 1th. Beirut: Risala Institute. [In Arabic].

- Ibn Hojr Asghalani, Shahab al-Din Abu al-Abbas. (1961). *Fath ul-Bari; Sharh-e Sahih al-Bukhari*. The Research of Mohammad Fo'ad Abdulbaghi. Cairo: Salafieh Publication.
- Ibn Ishaq, Abu Abdullah. (ND). *Sirat-e ibn Ishaq (Ketab al-Mobtada va al-Mab'as, va al-Maghazi)*. Mohammad Hamidullah's Research. Cairo: Institute of Studies and Research. [In Arabic].
- Ibn Kasir, Emaduddin Abolfada Ismail. (ND). *Al-Bedayat va al-Nahayat*. Beirut: Al-Ma'arif Library. [In Arabic].
- Ibn Khuzaimah, Abu Bakr Mohammad. (1983). *Al-Towhid va Esbat-e Sefat-e Rab*. Mohammad Khalil Haras. Beirut: Dar al-Kotob Al-Elamiyat. [In Arabic].
- Ibn Majeh, Mohammad ibn Yazid. (ND). *Sonan-e Ibn Majeh*. The Research of Mohammad Fo'ad Abd ul-Baghi. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- Ibn Manzour, Mohammad ibn Mokarram. (1994). *Lesan al-Arab*. 3th. Beirut: Dar Sader. [In Arabic].
- Ibn Qayyem Jowziyeh, Mohammad ibn Abi Bakr. (1982). *Al-Rouh*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyeh. [In Arabic].
- (1988). *Zaad al-Ma'ad fi Hoda Khair al-'Ebad*. The Research of Shoaib Arna'out and Abd ul-Qadir Arna'out. 3th. Beirut: Risalah Institute. [In Arabic].
- Ibn Sayyed al-Nas, Abulfath Fathuddin Mohammad. (1974). *'Oyoun al-Asar fi Fonoun al-Maghazi va al-Shama'el va al-Seyar*. 2th. Beirut: Dar al-Jil. [In Arabic].
- Ibn Shahr Ashoub, Mohammad ibn Ali. (2000). *Managheb-e 'Al-e 'Abitaleb*. Qom: Allameh [In Persian].
- Ibn Teymiyyeh, Ahmad ibn Abd ul-Halim. (1979). *Majmo ul-Fatawi*. 2th. Compiled by Abd ul-Rahman ibn Qasim and Mohammad ibn Abd ul-Rahman. Medinah: Majma ul-Malek Fahad for the Printing of al-Moshaf al-Sharif. [In Arabic].
- Kahhalah, Omar Reza. (ND). *M'ojam al-Mo'allefin*. Cairo: Dar Ehya al-Toras al-Arabi. [In Arabic].

- Kolaini, Mohammad ibn Yaghoub. (2008). *Al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian].
- Majlesi, Mohammad Baqher. (1983). *Behar al-Anwar*. 2th. Beirut: Al-Wafa Institute. [In Arabic].
- Makarem Shirazi, Naser. (1995). *Tafsir-e Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyeh. [In Persian].
- Mostafavi, Hasan. (1981). *Tahghigh fi Kalamat al-Quran al-Karim*. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian].
- Neyshabouri, Moslem ibn Hajjaj. (1992). *Sahih-e Moslem ibn al-Hajjaj*. The research of Mohammad Fo'ad Abdulbaghi. Cairo: Dar al-Hadith. [In Arabic].
- Nouwi, Yahya ibn Sharaf. (ND). *Sharh-e Sahih-e Moslem*. Beirut: Dar Ehya al-Toras al-Arabi. [In Arabic].
- Qhazi 'Ayaz, 'Ayaz ibn Mousa. (ND). *Al-Shafa be-Tarif al- Hoghough al-Mostafa*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah. [In Arabic].
- Qomi, Ali ibn Ebrahim. (1984). *Tafsir al-Qomi*. Corrected by Tayyeb Mousavi. Qom: Dar al-Ketab. [In Persian].
- Qortobi, Abi al-Abbas. (ND). *Al-Mofhem; Sahih al-Moslem*. Research by Hosseini Abu Farhat and ect. Cairo- Beirut: Dar al-Ketab al-Mesri and Dar al-Ketab al-Lobnani. [In Arabic].
- Qortobi, Abi Abdullah. (1996). *Al-'Asna fi Sharh-e Asma'ullah al-Hosna*. The Research of Mohammad Hasan Jabal. Taregh Ahmad Mohammad and Majdi Fathi al-Seyyed. Tanta: Dar al-Sahabah. [In Arabic].
- Ragheb Esfahani, Hossein ibn Mohammad. (1945). *Al-Mofradat fi Gharib al-Qur'an*. Tehran: Ketab Publocation. [In Persian].
- Sadough, Mohammad ibn Ali. (1997). *'Amali*. Tehran: Ketabchi. [In Persian].
- (2006). *'Elal al-Sharaye*. Qom: Darovi Bookstore. [In Persian].
- Safadi, Salahuddin. (1982). *Al-Wafi bel-Wafayat*. Fiesbaden: Frantz Steiner Publishing. [In Arabic].
- Safarini, Mohammad ibn Ahmad. (1991). *Lawame al-'Anwar al-Bahiyyah va Sawate al-Esra al-'Asariyah, Sharh-e al-Dorrat al-*

- Moziy'at fi Agheedat al-Ferghat al-Marziyah*. 3th. Reyaz: Al-Maktabat al-Islami and Dar al-Khani. [In Arabic].
- Sha'arani, Abul Hasan. (2001). *Nasr-e Touba*. Collected by Mohammad Gharib. Tehran: Islamyyah. [In Persian].
- Al-Shahrani, Ali ibn Mohammad. (2008). "Joz'o fi al-Esra va al-Me'eraj be-Nabi (PBUH)". *Journal of 'omm al-Ghora Le-Oloum al-Shari'at va al-Derasat al-Islamyyat*. No. 44. Pp. 526-584. [In Arabic].
- Seyouti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. (1984). *Al-dorr al-Mansour fi al-Tafsir bel-Ma'sour*. Qom: Grand Ayatollah Mar'ashi Najafi Public Library. [In Persian].
- Tabatabae'i, Mohammad Hossein. (1997). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. 5th. Qom: The Islamic Publications Office of the Seminary Teachers' Society. [In Persian].
- Tabarani, Soleiman ibn Ahmad. (ND). *Al-Mo'jam al-Kabir*. Hamdi al-Salfi's Research. Baghdad: 'ommah Press. [In Arabic].
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. (1992). *Jame ul-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir al-Tabari)*. Beirut: Dar al-M'arefat. [In Arabic].
- Tabresi, Fazl ibn Hasan. (1993). *Majma ul-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Edited by Hashem Rasouli and Fazlollah Yazdi Tabataba'i. 3th. Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian].
- Tabresi, Ahmad ibn Ali. (1983). *Al-Ehtejaj 'ala Ahl al-Lejaj*. Edited by Mohammad Bagher Kharsan. Mashhad: Morteza Publishing. [In Persian].
- Tehrani, Agha Bozorg. (1972). *Tabaghat 'Alam al-Shi'a*. Ali Naghi Monzavi's Research. Beirut: Dar al-Kotob al-Arabi. [In Arabic].
- Termezi, Mohammad ibn Isa. (1999). *Sonan al-Termezi*. Ahmad Mohammad Shaker's Research. Egypt: Dar al-Hadith. [In Arabic].
- Tousi, Mohammad ibn Hasan. (ND). *Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. Research by Ahmad Qeysar Amoli. Beirut: Dar Ehya Toras al-Arabi. [In Arabic].

- Younini, Mousa. (1993). *Mer'aat al-Zaman, Le-Mousa al-Younini*. 3th. Cairo: Dar al-Ketab al-Islami, al-Farouqh al-Haditah. [In Arabic].
- Zahabi, Mohammad Hossein. (ND). *Al-Tafsir va al-Mofasseroun*. Beirut: Dar Ehya Toras al-Arabi. [In Arabic].
- Zahabi, Mohammad ibn Ahmad. (2003). *Tarikh al-Eslam va Vafayat al-Mashaheer va 'Alam*. Bashar Avvad M'arouf's Research. Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic].
- (ND). *Tazkerat al-Hoffaz*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmyyeh. [In Arabic].



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: دسترنج، فاطمه. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی دلالت‌های مفهومی آیه اسراء در تفاسیر فریقین (با محوریت تفسیر مجمع‌البیان و مخطوطه شیخ یونینی)، دوفصلنامه علمی سراج مُنیر، ۱۳(۴۴)، ۲۴۹-۲۷۶.

DOI: 10.22054/asjm.2023.68809. 1885



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی